سبک رفتار

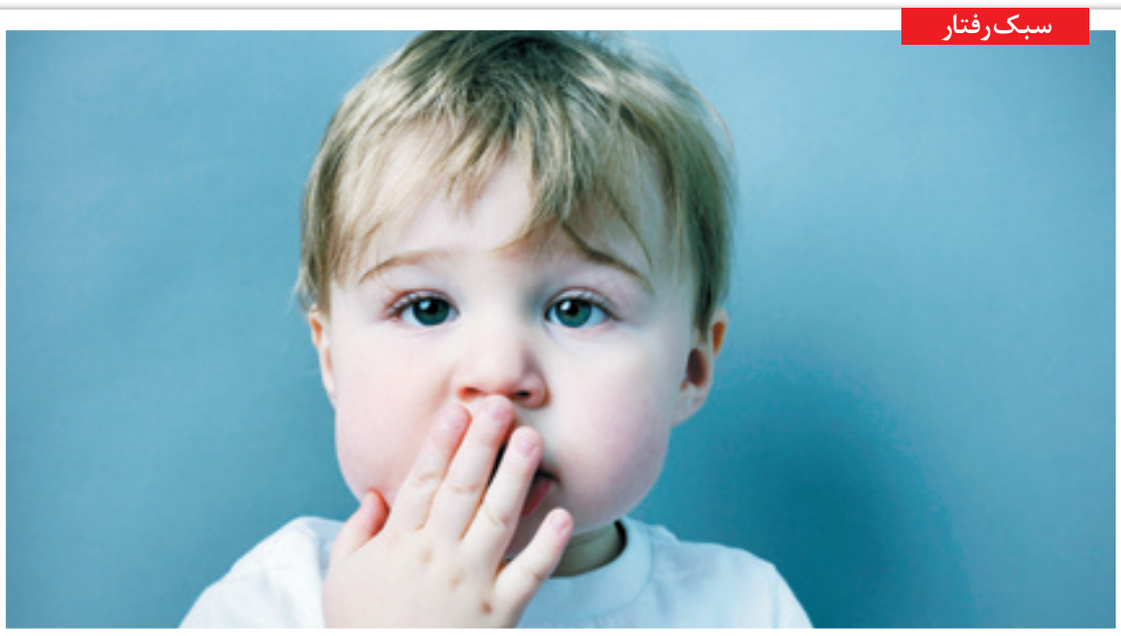

شما حق دارید از دست کودک ناراحت و عصبانی شوید اما او را از محبت خود محروم نکنید و هرگز برای تنبیه کودک نگویید دختر بد یا پسر بد. این کلام موجب تثبیت نقش بد بودن در کودک می‌شود و او باور می‌کند موجود بدی است. شما تنها رفتار بدش را سرزنش کنید، اما تجربه خوب بودن را برایش زنده نگه دارید

آسیب‌شناسی برخورد دوگانه عاطفی با بچه‌ها، به روایت دکتر مریم رئوفی روانشناس

کودکان را دچار سردرگمی عاطفی نکنیم

■ بهنام صدقی

یکی از نکات مهم در تربیت کودک رفتار یکسان والدین با کودک است. تربیت با ثبات یعنی برای انتظاراتی که از کودک داریم صریح باشیم و انتظارهایمان در شرایط مختلف یکسان باشد. بی‌شک ثبات در رفتار از سردرگمی کودک جلوگیری کرده و به او احساس امنیت می‌دهد. اگر زمانی که حوصله دارید با کودک خوش رفتاری کنید و به او پاسخ مثبت دهید و پذیرای او باشید و در زمان ناراحتی او را طرد کنید و پاسخ‌های منفی بدهید فرزند خود را سردرگم کرده‌اید. چون او نمی‌داند رفتار مناسب چیست و چه چیزی شما را راضی نگه می‌دارد؟ در این مورد کودک دچار ناامنی روانی می‌شود و این امر حائز اهمیت و قابل توجه است. همچنین وقتی کودک می‌بیند که پاسخ شما به رفتار خوبش بی‌تفاوتی است و نسبت به رفتار بدش با خشونت واکنش نشان می‌دهید، شما با این کار کودک را دچار سردرگمی ساخته و به او یاد می‌دهید فقط و فقط در مقابل رفتارهای بدش پاسخگو هستید و او را در انجام رفتارهای بد تقویت کرده‌اید.

■■■

■ **کودک را بلاتکلیف و سردرگم نکنید**

یکی از موارد مهم سردرگمی کودک زمانی رخ می‌دهد که یک بار رفتاری را در کودک تشویق و در شرایط دیگر او را تنبیه کنید. بر کسی پوشیده نیست که کودکی که از نظر عاطفی سردرگم شود، پرخاشگر، کمرو یا منفعل بار می‌آید. البته ناگفته نماند که احتمال خارج شدنش از دنیای واقعیت و پناه بردنش به دنیای خیالی هم زیاد است. دکتر مریم رئوفی، روانشناس و مشاور خانواده با تأکید بر نکته پیش گفته می‌گوید: رفتار متضاد والدین با کودک عامل بسیاری از اختلالات روانی مثل اسکیزوفرنی است. مشروح گفته‌های این روانشناس را در ادامه می‌خوانید.

■ **محبت کردن آری، لوس کردن نه!**

کودکان تشنه محبت هستند و می‌توان ادعا کرد ادامه زندگی جنینی در کودک هنوز وجود دارد و رفتار مادر تأثیر زیادی در روحیات کودک دارد. استفاده از کلام محبت‌آمیز، اعتماد به نفس کودک را افزایش می‌دهد. کودک نیاز شدیدی به تأیید والدین خود دارد و این امر از طریق بیان دو واژه «دوستت دارم» به کودک امکانپذیر می‌شود. گروهی از والدین از ابراز کلامی به کودک خودداری و فکر می‌کنند با این کار آنها کودکشان لوس شده و وابسته بار می‌آید.

لوس شدن کودک زمانی اتفاق می‌افتد که شما به درخواست‌های غیرمعقولش پاسخ دهید و در مقابل رفتارهای لجبازانه و بد قلقی‌های او کنار بیایید و این رفتارها را در او تقویت کنید. مثلاً وقتی یک خوراکی و اسباب بازی را بخواهد که شما نمی‌خواهید آن را تهیه کنید یا صلاح نمی‌دانید به او بدهید در مقابل رفتارهایی مثل گریه و زاری، پرت کردن اشیا، لجبازی، قهر کردن و... کوتاه آمده و آنها را به او بدهید، اما رفتار محبت‌آمیز ابراز کلامی عشق و محبت به کودک وی را مطمئن بار می‌آورد و مهربانی و عشق ورزیدن را یاد می‌گیرد و هرگز لوس نمی‌شود. نکته دیگر در تربیت کودک برقراری رابطه عاطفی است.

■ **رفتار بد کودک را نادیده نگیرید**

برای تنبیه کودک هرگز نگویید دیگر مادر یا پدر او نیستید، زیرا استرس رها شدگی را به او وارد می‌کنید. در ضمن کودک اعتماد خود به شما را از دست می‌دهد و احساس می‌کند شما دروغگو هستید، چون متوجه می‌شود که هنوز به عنوان والد او مطرح هستید. سعی کنید قهر با کودک را طولانی نکنید؛ چراکه او این رفتار را از شما یاد می‌گیرد و برایش عادی می‌شود.

برای تنبیه کودک باید رفتار بدش را به او تذکر دهید، اما به شخصیت او توهین و وی را تحقیر نکنید. همیشه جایی برای جبران رفتار اشتباه کودک باقی بگذارید و به او فرصت دهید تا رفتار اشتباهش را جبران کند. حتی تشویق کننده‌ای برای جبران کردن رفتار او در نظر بگیرید. مثلاً بگویید اگر در طول این هفته این رفتارهایت کمتر شود، جایزه‌ای (چیزی که دوست دارد و قابل تهیه و متناسب با تغییر رفتار او باشد) به تو خواهم داد.

■ **زمان محرومیت کودک را طولانی نکنید**

فراموش نکنید تسلط شما بر کلام و ثبات در رفتارتان می‌تواند موفقیت شما را در تغییر رفتار کودکتان تضمین کند. در بعضی تنبیه‌ها شما می‌توانید کودک را از موضوعی که مشتاق آن است محروم کنید، اما تناسب تنبیه با رفتار بد او را در نظر داشته باشید. مثلاً برای مدت یک ساعت از دیدن کارتون مورد علاقه‌اش محروم شود یا از بازی با اسباب بازی که دوست دارد یا رفتن به جایی که دوست دارد او را محروم کنید، اما زمان این محرومیت را طولانی نکنید و مشخص کنید که چقدر باشد.

شما حق دارید از دست کودک ناراحت و عصبانی شوید اما او را از محبت خود محروم نکنید و هرگز برای تنبیه کودک نگویید دختر بد یا پسر بد. این کلام موجب تثبیت نقش بد بودن در کودک می‌شود و او باور می‌کند موجود بدی است. شما تنها رفتار بدش را سرزنش کنید، اما تجربه خوب بودن را برایش زنده نگه دارید. کودکی که احساس بد بودن کند، راه خوب زیستن را یاد نگرفته و نمی‌تواند از خود دفاع کند و به دنبال خوبی‌ها برود و مدام فکر می‌کند من بد هستم، پس نمی‌توانم رفتار خوب انجام دهم. این مورد در سایر مواردی که به کودک برچسب زده می‌شود قابل مشاهده است. پاک شدن ذهن کودک از برچسب‌ها سخت است.

اگر کودک برچسب شیطان، بازیگوش، خنگ، کودن، بی‌ادب، تنبل، نادان و از این قبیل را داشته باشد، همین رفتارها را انجام خواهد داد. پاک شدن ذهن کودک از برچسب‌هایی که به او زده می‌شود کار دشواری است. نکته مهم این است که دعواهای خود را به زمان عدم حضور بچه‌ها موکول کنید. چون بخش اعظم اضطراب و نگرانی کودک در اثر اختلافات والدین ایجاد می‌شود و همچنین کودکان در یک فضای ناآرام و ناامن بزرگ می‌شوند. کودکان را واسطه دعواها و داور حق دهی به یکی از شما قرار ندهید. کودک هم پدر و هم مادرش را دوست دارد و انتخاب یک والد به عنوان قربانی و یکی به عنوان ظالم احساس تضادی را در او رشد می‌دهد. معمولاً کودک فرد قربانی و مظلوم را انتخاب می‌کند و بالطبع در زندگی خود نیز نقش قربانی بودن را انتخاب می‌کند و در زندگی بزرگسالی با این نقش خود را بروز می‌دهد. اگر نقش ظالم را هم پذیرا شود، تبدیل به یک فرد پرخاشگر و زورگو شده و از یک زندگی طبیعی محروم می‌شود.

■ **به جای اینکه بگویید... بهتر است بگویید...**

درخواستتان را به طور مشخص به کودک گفته و او را سردرگم نکنید. مثلاً به جای اینکه بگویید چقدر نامنظم هستی دقیقاً به او بگویید اسباب‌بازی‌هایت را در سبد مخصوصش بگذار. به جای اینکه بگویید شلوغ نکن، بهتر است بگویید آرام بازی کن. به جای اینکه بگویید این چیه پوشیدی، بهتر است بگویید برو و آن لباس قرمزت را بپوش.

برای بیان درخواست‌های خود از کودک جملات طولانی به کار نبرید و سخنرانی نکنید. به جای اینکه بگویید این چه وضعه که توی اتاقت داری، بهتر است بگویید بچه‌ها باید مرتب باشند. مشخصاً بگویید بهتر است لباس‌هایت را آویزان کنی. بهتر نیست کتاب‌هایت را در قفسه بگذاری. می‌خواهی با همدیگر اینجا را مرتب کنیم و... اگر کودک بد غذاست به او پیشنهاد دهید با شما در تهیه غذا مشارکت کند. این مشارکت می‌تواند از تهیه مواد اولیه تا پختن و آماده کردن غذا باشد تا اینکه شروع به سخنرانی کنید و او را بابت نخوردن غذا سرزنش کنید. می‌توانید بازی گارسون و رستوران را تدارک ببینید.

برای تنبیه کودک هرگز نگویید دیگر مادر یا پدر او نیستید، زیرا استرس رها شدگی را به او وارد می‌کنید. در ضمن کودک اعتماد خود به شما را از دست می‌دهد و احساس می‌کند شما دروغگو هستید، چون متوجه می‌شود که هنوز به عنوان والد او مطرح هستید. سعی کنید قهر با کودک را طولانی نکنید؛ چراکه او این رفتار را از شما یاد می‌گیرد و برایش عادی می‌شود

سبک تربیت

■ مرضیه کریمی

گستاخی کودکان یک رفتار ناسازگارانه و آزاردهنده است اما مشکلی حل شدنی است که با مهارت، کنترل و آگاهی لازم می‌توان آن را مهار و به کودک کمک کرد، در غیر این‌صورت با اعمال هرگونه رفتار تند و خشن این مشکل حل نخواهد شد.

■■■

مهارت‌های مقابله با گستاخی کودکان

از کوره درنروید

گستاخی به عنوان یک رفتار ناسازگارانه و گستاخانه شامل بد دهانی، مسخره کردن، بی‌توجهی همراه با رفتار ستیزه‌جویانه، لجبازی، پرخاشگری و حاضر جوابی است که والدین گاهی اوقات با مهارت کافی با این مشکل برخورد می‌کنند و گاهی هم یا این رفتار را می‌پذیرند یا به زور متوسل شده و آنها هم با کودک خود تندی و ناسزاگویی می‌کنند که در هر دو حالت مشکل بزرگ‌تر می‌شود و کودک این رفتار را ادامه می‌دهد و زمانی که بزرگ‌تر می‌شود روابط اعضای خانواده با مشکلات جدی بیشتری همراه و در واقع باعث ایجاد تزلزل در احترام به والدین و دیگر اعضای خانواده می‌شود و حرمت‌ها را از بین می‌برد. حتی خود کودک هم علاوه بر پدر و مادر از وجود چنین رفتاری آسیب‌های روانی و اجتماعی خواهد دید، زیرا اینگونه کودکان که ناسزاگویی دارند و گستاخی می‌کنند کمتر مورد توجه، لطف و محبت دیگران قرار می‌گیرند و این مسئله باعث بروز احساسات منفی و کاملاً ناخوشایند مثل حقارت، خشم در کودک و حتی والدین می‌شود. در اینگونه مواقع اگر یکی از والدین از رفتار گستاخانه فرزند خود حمایت کند ممکن است روابط بین والدین نیز با مشکل مواجه شود.

گستاخی به عنوان یک مشکل عادی تربیتی و یکی از فرآیندهای مراحل رشدی کودک است که قابل حل است. یک برنامه تربیتی مناسب و هوشمندانه می‌تواند به والدین و کودک کمک کند و اگر موفق به حل این مشکل نشدند می‌توانند از یک متخصص کمک بگیرند.

وظیفه پدر و مادر است که روشی مؤثر به فرزندان خود بیاموزند و به آنها یاد بدهند که باید محترمانه و با لحنی مناسب صحبت یا خواسته‌های خود را مطرح کنند، زیرا آنها قرار است در آینده وارد جامعه‌ای بزرگ‌تر از خانواده خود شوند و باید رفتاری مناسب با فرهنگ و عرف جامعه داشته باشند، چون در غیر این صورت با رفتار گستاخانه در رسیدن به اهداف و خواسته‌هایشان با مشکلات جدی روبه‌رو خواهند شد و ممکن است حتی از جامعه نیز طرد شوند.

گاهی اوقات این رفتارهای گستاخانه فرزندان در نتیجه تصمیمی است که والدین به اشتباه می‌گیرند و می‌گویند ما می‌خواهیم فرزندمان آزادانه رشد کند و با رفتارهای او مخالفتی نداریم و در نهایت این رفتار در نتیجه ارضای نیازها و خواسته‌های کودک در اثر شیوه اشتباه تربیتی از جانب والدین اتفاق می‌افتد یا گاهی در نتیجه نارضایتی‌ها، ترس‌ها، حقارت‌ها یا حسادت‌های کودک می‌تواند باشد.

اگر کودکتان گستاخی کرد و لحن او بی‌ادبانه و توهین‌آمیز بود از کوره درنروید و آشفته و عصبانی نشوید و سعی کنید با حفظ آرامش رفتار گستاخانه کودک را بشناسید، زیرا مهم‌ترین قدم در مقابله با گستاخی کودکان شناخت دلایل رفتار گستاخانه آنهاست و اینکه در چه زمانی بیشتر گستاخی و پرخاشگری می‌کنند؟ البته این رفتار در سنین مختلف متفاوت است. به عنوان مثال در دوران پیش دبستانی شدت کمتری دارد ولی در دوران بزرگسالی اگر این مشکل حل نشود می‌تواند به صورت بی‌احترامی و توهین شدید و اهانت به پدر و مادر یا دیگران بروز کند. والدین نباید در مقابل ناسزاگویی و گستاخی فرزندشان از خود انعطاف نشان دهند. کودک باید با پیامدهای ناخوشایند رفتار خود مواجه شود. در این مرحله والدین نباید به خواسته‌های کودکان به دلیل گستاخی تن دهند و باید برای رفتار ناپسند کودکشان پیامدی قابل اجرا در نظر بگیرند که فرزندشان در کوتاه‌ترین زمان با پیامد رفتار زشت خود مواجه شود.

در مراحل بعدی پدر و مادرها باید پیامد در نظر گرفته شده را برای کودک اعمال کنند و به کودک بگویند که به عنوان مثال چون حرف زشتی زدی و ناراحتم کردی نمی‌توانی برنامه مورد علاقه‌ات را تماشا کنی و اگر کودک شروع به گریه و پرخاشگری و داد و فریاد کرد باید اقدامی را انجام دهید که مربوط به مرحله بعدی فرآیند مقابله با گستاخی است. نکته بعدی اینکه پدر و مادرها نباید در آن لحظه نزد فرزند خود بمانند. باید محل را ترک کنند و سراغ کار خود بروند و هرگز با کودک خود دعوا و مجادله نکنند و همین طور باید به او گوشزد کنند که نمی‌توانند اجازه دهند تا او برای مثال برنامه مورد علاقه‌اش را تماشا کند. این کار باعث می‌شود کودک در نهایت به خاطر کار خود معذرت‌خواهی و سعی کند که دیگر گستاخی نکند.

البته اگر پدر و مادرها بخواهند رفتار ناسازگارانه و گستاخی و پرخاشگری فرزند خود را کاهش دهند باید آن را با این پیامدها در مقابل رفتار ناشایستشان رو به‌رو کنند تا اینگونه رفتارها در بزرگسالی آنها تداوم نداشته باشد و به فراموشی سپرده شود. مهم‌تر از همه اینکه در اینگونه مسائل تربیتی، همکاری، هماهنگی و همفکری والدین نقش بسیار مهم و کارسازی را ایفا می‌کند، زیرا فرزندان هم این همدلی، همکاری و محبت را در خانواده احساس خواهند کرد پس بهتر است بستری سرشار از آرامش و امنیت برای فرزندان خود فراهم سازیم.

نگاه

بیش فعال‌ها مقصر نیستند

کودکی با برچسب «بچه بد»

■ مینا محمددوست

شاید وقتی به خاطرات دوران دبستان فکر می‌کنیم، کما بیش تجربه‌هایی از همکلاسی‌های ناآرام را به یاد آوریم. کودکان پر جنب و جوشی که به دلایل مختلف نظم عادی در کلاس را به هم می‌زدند و برای خود و اطرافیان مشکل ایجاد می‌کردند. کودکانی که آرام و قرار نداشتند و کاسه صبر معلم، والدین و نزدیکان خود را با رفتارشان لبریز می‌کردند.

امروزه ما می‌دانیم ممکن است گروهی از این بچه‌ها در گیر کاستی توجه - بیش فعالی - باشند. بیش فعالی اختلالی است که رفتارهایی از قبیل پر تحرکی، پر حرفی، فراموشکاری در فعالیت‌های روزمره و همچنین مشکلاتی مربوط به توجه در آنها دیده می‌شود. معمولاً این کودکان خیلی راحت وسایل و تجهیزات خود را گم می‌کنند، خیلی زود دچار حواس پرتی می‌شوند، در سازمان دادن تکالیف و دستورالعمل‌هایی که به آنها داده می‌شود، دچار مشکل هستند.

دویدن‌های نامناسب، اشکال در بازی‌های آرام و بی‌قراری از دیگر ویژگی‌های رفتاری این گروه است. ممکن است گاهی این مشکل فقط به شکل پر تحرکی نمایان شود. گاهی به شکل عدم توجه و در مواردی هم به شکل ترکیبی از این دو حالت.

■ **از کنار بیش فعالی به سادگی نگذریم**

بیش فعالی معمولاً قبل از سنین مدرسه آغاز می‌شود و شیوع آن در پسران بیشتر از دختران است، اما در دوران مدرسه به شکل مشکلات جدی نمایان می‌شود و با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، پیدا شدن مشکلات تحصیلی و مشکلات مرتبط با مدرسه، تعجب‌آور نیست. سال‌های متمادی محققان و کارشناسان در این عرصه بر این باور بودند که کودکان و نوجوانانی که درگیر این اختلال هستند، با رسیدن به بزرگسالی از نشانه‌های آن خلاص می‌شوند، اما بعد با شناسایی تعداد زیادی از این موارد در بزرگسالان، متخصصان این نظریه را رد کردند.

کودکانی که این مسئله را پشت سر می‌گذارند، ممکن است در بزرگسالی، با توجه به تجربه‌هایی از نوع عدم سازگاری و فقدان آگاهی اطرافیان با نوع برخورد مناسب، تأثیرات نامطلوبی بر شخصیت و عزت نفس آنان بر جا بگذارد. از طرفی در میان چهره‌های موفق، کسانی هم هستند که در طول زندگی با این مسئله دست به گریبان بوده و به رغم تمامی چالش‌ها، نه تنها با ناکامی‌های خود در این زمینه به طرز مؤثر کنار آمدند، بلکه توانسته‌اند با استفاده از تجربیات زندگی دشوار خود، راهی برای شناساندن این اختلال به دیگران و همچنین راهکارهایی برای درمان آن ارائه دهند. پس داشتن آگاهی در مورد بیش فعالی نقش تعیین کننده‌ای در جهت‌دهی مناسب برای اطرافیان و آینده خود این کودکان خواهد داشت.

■ **دلایل بیش فعالی را بشناسیم**

ظهور و بروز این اختلال روانشناختی در پسرها به مراتب بیشتر از دخترها بوده و بهترین سن جهت درمان آن پیش از ورود کودک به مدرسه است. اگر تشخیص صحیح باشد، تنها راه رفع علایم بیماری در کودک با مصرف دارو و با نظر پزشک متخصص است. تجربه نشان داده است این اختلال با بالا رفتن سن کودک بهتر می‌شود، اما این امکان هم وجود دارد که در بزرگسالی ادامه یابد. البته اکثر محققان در این زمینه ترکیبی از عوامل محیطی و ژنتیکی را در به وجود آمدن این حالت دخیل می‌دانند.

همین طور به گفته متخصصان این حوزه، در بخش‌هایی از مغز این کودکان که مرتبط با توجه و تمرکز است، مشکلات جزئی می‌تواند وجود داشته باشد. بر همین اساس تحقیقات حاکی از آن است که در اقوام نزدیک این افراد هم این اختلال معمولاً دیده می‌شود. از طرفی بین استرس زیاد مادران هنگام بارداری، کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی و این حالت رابطه وجود دارد. مسمومیت‌های ناشی از آلودگی هوا به دلیل سرب موجود در دود اتومبیل‌ها، غذاهای حاوی افزودنی‌های مصنوعی و همین طور رنگ دهنده‌های خوراکی از دیگر عوامل محیطی هستند که توجه دانشمندان را در رابطه با این مسئله به خود جلب کرده است.

■ **تشخیص درست بیش فعالی**

گام اول برای درمان این اختلال، تشخیص درست است. البته این مرحله باید توسط فرد متخصص در این زمینه صورت گیرد. والدین باید این مهم را در نظر بگیرند که کودکان سرشار از انرژی هستند و نیاز به بازی و فعالیت و جنب و جوش دارند. پس هر نوع بازی پر تحرک یا هر نوع بی‌توجهی لزوماً دلیل بر بیش فعالی کودک نیست. مرحله بعد از تشخیص این است که والدین در مورد این اختلال اطلاعات مناسب کسب کنند. داشتن آگاهی در هر زمینه به عملکرد و رفتار مناسب ختم می‌شود.

نوع برخورد اطرافیان که همراه با دانش کافی باشد، برای کودکان بیش فعال امری ضروری است. رفتار مناسب و حفظ آرامش با کودک بیش فعال، به یقین دشواری‌های خاص خود را دارد. به این کودکان نباید برچسب «بچه بد» بزنید و با تأکید توصیه می‌شود از تنبیه بدنی دوری کنید. البته تنبیه بدنی از دسته مواردی است که هیچ گاه توصیه نمی‌شود، اما تأکید این مسئله در مورد این کودکان به این دلیل است که در این حالت می‌تواند به رفتار انتقام‌جویانه از طرف کودک منتهی شود.

یکی از روش‌های درمانی، استفاده از داروهای مناسب این اختلال است که حتماً باید تحت نظارت متخصص مربوطه صورت گیرد. به والدین توصیه می‌شود با شروع سن مدرسه، حتماً مسئولان مدرسه را در جریان قرار دهند و در کنار هم همکاری‌های لازم را به عمل آورند. مناسب است انرژی زیاد این کودکان به طور مناسب تخلیه شود. مانند شرکت در ورزش‌های مورد علاقه کودک. در مورد خوراکی‌های این عزیزان دقت و تا حد امکان از دادن خوراکی‌هایی که تحریک‌پذیری آنها را بالا می‌برد مثل شکلات، انواع کاکائو و... اجتناب کنیم.

■ **شکیبایی در برابر کودک بیش فعال**

توصیه می‌شود کودکان بیش فعال از استفاده زیاد از کامپیوتر و تلویزیون پرهیز کنند. نکته مهم دیگر مربوط به ساعات خواب این کودکان است. مناسب است والدین با ایجاد فضای مناسب برای خواب، به شکل قانونمند، شب‌ها زودتر این کودکان را بخوابانند، طوری که کودکان متوجه باشند اجازه ندارند تا دیر وقت بیدار بمانند.

تحقیقات و مطالعات محققان و صاحبنظران این حوزه کاربردی در مورد این مسئله همچنان ادامه دارد و به این ترتیب ما چشم‌انداز خوشبینانه‌تری پیش‌رو خواهیم داشت و مانند هر حیطه دیگر از علم خوشبختانه روز به روز دستاوردهای بهتر و راهکارهای مناسب‌تری ارائه خواهد شد، اما آنچه در حال حاضر اهمیت فراوان دارد این مهم است که والدین، مسئولان مدرسه و تمامی کسانی که با کودک بیش فعال سر و کار دارند در نظر داشته باشند که به رغم تمام مشکلات پیش‌رو با محبت و شکیبایی با این عزیزان رفتار کنند. به عنوان یک اصل بپذیریم خود این کودکان در به وجود آمدن این مسئله نقشی نداشته‌اند! آنها مثل هر کودک دیگر حق پذیرفته شدن با مهر و محبت را دارند.

■ **فرشته کوچک شما مقصر نیست!**

هوشیار باشیم، رفتار نامناسب می‌تواند در بزرگسالی برای این عزیزان علاوه بر اختلال ذکر شده مشکلات دیگری نیز برایشان به همراه داشته باشد. مثل اختلال شخصیت یا اختلال اضطرابی. پس ما به عنوان افراد بالغ وظیفه داریم مسیر دشوار پیش‌روی کودک بیش فعال را هموار کنیم. بهتر است با دانش، صبر و متانت بپذیریم که این فرشته کوچک مقصر نیست، او فقط یک کودک بیش فعال است.